



ندای جمعیت
فصلنامه جمعیت زنان
جمهوری اسلامی ایران

سال سیزدهم / شماره ۴۸-۴۷ / پاییز و زمستان ۱۳۸۴

قیمت: ۴۰۰ تومان

حضور زنان در مجلس خبرگان، ضرورت یا تکلیف
فرهنگ سازی در جهت احیای حقوق شهروندی
کاهش ساعات کار زنان، منفعت یا ضرر
زینب، فریادگر خون شهیدان عاشورا
حماس، فلسطین و تحولات اخیر
چگونگی به قدرت رسیدن زنان
ایرانیان و هنر تعزیه*

شیطان و توطئه‌ها مشترک





چهارده سال انقلاب

امام حرف مردم را می زدند و مردم حرف امام را

مصاحبه با خانم دباغ

مجید معتمدی

در ابتدا در خصوص فعالیت های سیاسی - نظامی خود قبل از پیروزی انقلاب صحبت بفرمایید.

از سال ۱۳۴۶ فعالیت سیاسی را آغاز کردم و با داشته هایی که از اسلام عزیز، ائمه معصومین و اساتیدم فرا گرفته بودم، به فعالیت پرداختم. بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با مسائلی که پیش آمد، یک عده از شاگردان خاص امام مانند آیت الله سعیدی، در گوشه و کنار مملکت تشکیلاتی را به شکل غیر مستقیم شکل دادند تا انقلاب به یک گستردگی رسیده و آنچه که حضرت امام می خواست تحقق یابد. خداوند نیز لطف کرده و بنده را در مسیری قرار داد تا با شهید سعیدی آشنا شده و در مسیر مبارزات قرار بگیرم.

در روند فعالیت های انقلابی خود از محضر چه اساتیدی بهره بردید؟

اولین استادم حاج آقا کمال مرتضوی بود. بعد خدمت حاج خلیل آقای خوانساری و حاج سید محمد آقای باقری بودم و بعد هم آیت الله شهید سعیدی. همچنین سید مجتبی صالحی که ایشان هم شهید شدند.

خانم دباغ! شما از معدود زنان مسلمانی هستید که قبل از انقلاب به فعالیت های نظامی پرداخته و اسلحه به دست گرفتید. در صورتی که قبل از پیروزی انقلاب شاید تنها زنانی از مجاهدین دست به فعالیت های نظامی می زدند. آیا چنین فعالیت هایی از سوی یک زن مسلمان، در شرایط آن روز پذیرفته شده بود؟

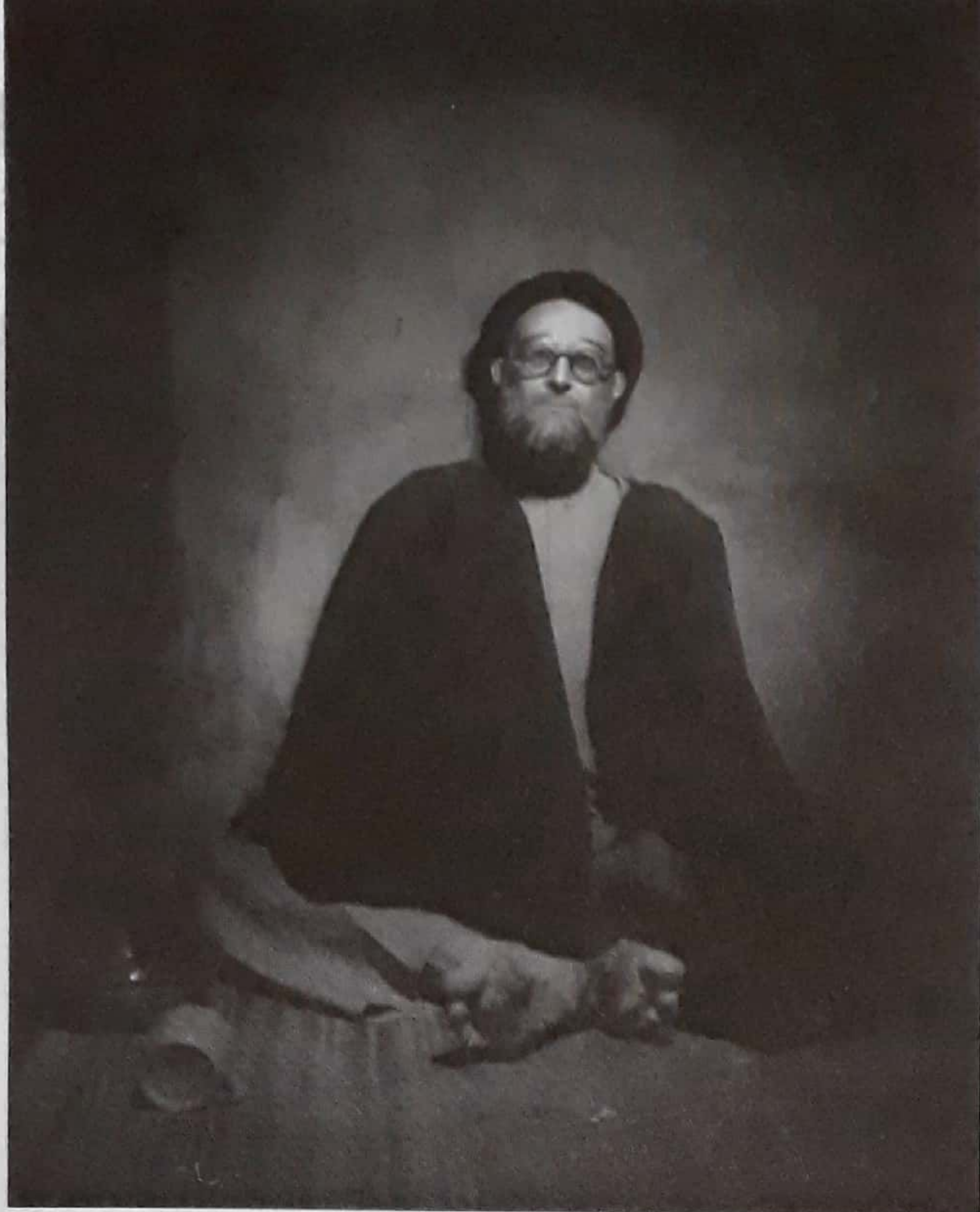
دفاع بر هر زن و مردی در اسلام واجب است. یادگیری فنون نظامی کار خلافی نیست و در برخی مواقع ضرورت هم دارد. کما اینکه در زمان پیغمبر نیز عمه پیغمبر اکرم شمشیر می زدند و روزی که آن یهودی به بیت پیغمبر حمله می کند، اگر این خانم شمشیر زدن بلد نبود، ممکن بود فاجعه ای به بار آید. بنابراین شمشیرزنی، تیراندازی و اسب سواری از آموزش هایی است که لازم است پدر و مادر به بچه ها آموزش دهند و زن و مرد هم ندارد.

چگونه از کشور خارج شدید و در چه کشورهایی فعالیت داشتید؟

زمانی که توسط ساواک دستگیر شدم، در اثر شدت شکنجه ها از زندان به بیمارستان منتقل شدم و از آنجا فرار کردم. در آن زمان هشتمین فرزندم پنج ساله بود. تا پیروزی انقلاب نیز در لبنان، سوریه، نجف، مکه، انگلستان و فرانسه



چریک پیر خسته است. این را می شود در رفتار و حرکاتش دید. ماه گذشته جراحی قلب را پشت سر گذاشته و هنوز هم اثرات بیماری باقی است...
مرضیه دباغ از نسل اولی های انقلاب است. کسانی که در روند پیروزی انقلاب حضور داشته اند و پس از حدود ۲۷ سال از پیروزی انقلاب به جناح ها و گروه های مختلف تقسیم شده اند، اما فصل مشترک همه آنها یک چیز است: "عشق و علاقه عمیق عاطفی به امام خمینی"
این نکته اشتراک و اجماع همه عناصر دخیل در پیروزی انقلاب اسلامی است.



تندیس شهید آیت‌الله سید محمد علی قاضی طباطبایی در سلول انفرادی موزه تاریخ اطلاعات (کمیته مشترک ضد خرابکاری سابق)

برخورد و برنامه‌ریزی هایی که در ۲۷ سال گذشته برای جوانان صورت گرفته چیست و مسئولان را چقدر در بروز برخی از مشکلات رفتاری در جوانان دخیل می دانید؟

به نظر من مسائل مختلفی چون جنگ و غیره ما را به میزان زیادی از پیاده کردن فرهنگ اسلام ناب محمدی عقب نگه داشت و این نسل جوان و عزیز که برخی کلمات را به آنها نسبت می دهند (که من این را غلط می دانم) ... درست تغذیه نشدند . مسئولان فرهنگی باید توجه خاصی به این قضیه می کردند . مسئولان با توجه

به اینکه این نسل میراث دار انقلاب دستاوردهای انقلاب را حفظ و نگهداری کند ، باید سرمایه سنگینی را تدارک می دیدند... بنابراین بی توجهی شده ... در عین حال که این بی توجهی عمده نبوده اما سهو آن نیز خیلی سنگین بوده است ... این نسل در جمهوری اسلامی متولد شده ، دبستان رفته ، وارد دانشگاه شده و خارج از جمهوری اسلامی ایران نبوده ، اما تغذیه نشده و از نظر فکری دچار سوء تغذیه شده است . بنابراین جا دارد که فرصتی به آنها داده شود و برنامه ریزی های مدونی صورت گیرد . البته رفتار با جوانان باید توأم با احترام و مهربانی باشد وگرنه با توهین و سرزنش علاوه بر آنکه اصلاحی ایجاد نمی شود ، بلکه جوانان نیز نمی پذیرند .

دفاع بر هر زن و مردی در اسلام واجب است . یادگیری فنون نظامی کار خلافی نیست و در برخی مواقع ضرورت هم دارد.

مشغول فعالیت بودم . بعد از پیروزی انقلاب در چه مراکزی به فعالیت ادامه دادید؟

بعد از پیروزی مدتی با سپاه همکاری کردم . نزدیک به سه سال هم مسئولیت سپاه همدان را بر عهده داشتم . در سال ۶۱ وارد مجلس شدم و ۳ دوره نماینده بودم . مدتی نیز مسئولیت بسیج خواهران کل کشور را بر عهده داشتم و همچنین مسئول زندانهای تهران بودم . در حال حاضر هم قائم مقام جمعیت زنان جمهوری اسلامی هستم و در جمعیت دفاع از حقوق مردم فلسطین هم فعالیت می کنم .

امام حرف مردم را می زدند و مردم حرف امام را.

بهترین خاطره ای که با امام داشتید... هر اتفاقی که در محضر حضرت امام افتاده ، بارها گفته و نوشته شده و حرکات و سکنات حضرت امام همیشه زنده است و به نظر من هیچ وقت هم کهنه نمی شود . اما خاطره ای که برای من تکان دهنده بود ، مربوط به نوفل لوشاتو است و شبی که خرید منزل با بنده بود . در آن شب پرتقال را به دلیل اینکه ارزان بود بیش از حد نیاز خریداری و به منزل رفتم . حضرت

امام آمدند داخل آشپزخانه تا خرید را ببینند (همیشه چک می کردند) . امام فرمودند این همه پرتقال را برای چه خریده اید ؟ عرض کردم که چون ارزانتر بود برای مصرف خرید چند روز خریدم . فرمودند میدانید که چند گناه کرده اید ؟ ... گناه اول اینکه این همه پرتقال نیاز

نداشتیم و بیشتر از حد نیاز خرید کرده اید . دوم آنکه امروز که پرتقال ارزان است شاید افراد محتاجی در نوفل لوشاتو باشند که می توانستند امروز پرتقال بخورند . حضرت امام فرمودند بروید پرتقال اضافی را پس بدهید که من عرض کردم آن را پس نمی گیرند و امام فرمودند پس پوست بگیرد و وقت نماز بیاورید و بین نمازگزاران پخش کنید شاید گناه شما بخشیده شود . این درس بزرگی است در خصوص مذمومیت احتکار و حرص زدن برای جمع کردن و نمونه ای است از مسایلی که در اطراف ما وجود دارد .

خانم دباغ ! شما از دسته افرادی هستید که فارغ از محدودیت های رایج برای زنان ، به فعالیت پرداختید و در عرصه های مختلف حضور داشتید، نظرتان راجع به نوع

دارند؟

با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه شیعی است و اکثریت بچه های ما بچه مسلمانند و در خانواده های اسلامی بزرگ شده اند ، مسلماً زمانی که خیانت را از دشمن ببینند ، دیگر فرقی نمی کند که موهایشان بلند است ، شلوارشان کوتاه است ... در آن زمان آنچه که برای جوانان مهم است ... دفاع از دین و ملک و مملکت خواهد بود کما اینکه در راه پیماییها و به خصوص در راه پیماییهای اخیر در صحنه وجود داشتند و من فکر نمی کنم جبهه خالی بماند .

شما متعلق به نسل اول انقلابید که امروزه به سنین پیری رسیده اند و بیم آن می رود که در سالهای آینده به سرای باقی بشتابند و واقعیت های انقلاب تحریف شود ، چه توصیه ای برای انتقال معارف انقلاب به جوانان دارید ؟

افراد دخیل در انقلاب هر کدام به گونه ای مشغولند ، یا کتاب می نویسند یا اطلاعاتشان را به صورت نوار ، ویدئو و فیلم در اختیار نسل جدید قرار می دهند . امیدوارم که اینها به صورت تدوین شده و تکمیل شده ای منتشر شده و نسل جوان هم وقت بگذارد و هوشیاری و آگاهی لازم را به خرج دهد و آنچه را که لازم است به دست آورند.

و حرف آخر ... ؟

به عنوان یک وصیت ... این انقلاب ، انقلابی نیست که با توطئه و دسیسه کاری های کذایی که آمریکایی ها و امثالهم می کنند متزلزل شود و یا ملت دست از دستاوردهای انقلاب بردارند ... بنابراین توصیه ام این است که به جای سنگ اندازی و برداشت شخصی از اسلام نابی که امام همیشه اشاره می کردند بیایند کنار هم بنشینند و اشکالاتی را که با یکدیگر دارند حل کنند ... اگر نیتشان خود نیست و مسئله خود و گروهشان مطرح نیست ، بیایند و به خاطر اسلام و خون شهدا از خواسته های شخصی شان بگذرند ... به این ترتیب دشمن زودتر از پا در خواهد آمد و این عزیزان فردای قیامت مسرور و سرافراز پیش پیغمبر و معصومین و امام راحل قرار خواهند گرفت .

خانم دباغ در کنار تندیس شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی در سلول انفرادی موزه تاریخ اطلاعات (کمیته مشترک ضد خرابکاری سابق)



مشخصه اصلی نسل شما عشق و علاقه وافر به امام خمینی است و شما از زمره افرادی هستید که در سالهای آخر پیروزی انقلاب و در نوفل لوشاتو در کنار امام حضور داشتید و ایشان را از نزدیک می شناسید . امروزه زمره هایی در خصوص نظرات امام در زمینه جمهوریت و نقش مردم در حکومت شنیده می شود ، نظرتان در این خصوص چیست ؟

حضرت امام فرمود جمهوری اسلامی ، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد باید توجه کرد که امام در چه شرایطی با صراحت از مردم سخن می گوید . امام اولین بار - بعد از ۱۶ سال که یک طرفه با مردم سخن می گوید - وارد ایران می شود و آن استقبال با شکوه را از مردم می بیند ... امام در همان زمان در بهشت زهرا فرمودند که من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم و مردم یک صدا فریاد زدند صحیح است ، صحیح است ، صحیح است . امام حرف مردم را میزد و مردم حرف امام را می زدند ... اما امروز بعضی از گروههایی که خیلی هم اعرابی در قافیه در جمهوری اسلامی ندارند ، برای پیاده کردن اندیشه های خودشان یا جمع کردن افرادی که فکر می کنند ممکن است از جمهوری اسلامی زدگی داشته باشند ، این حرف ها را میزنند اما ملت هیچ وقت به علت اعتقاد راسخی که به روحانیون و مراجع دینی دارند ، این حرفها را نخواهند پذیرفت . به قول شاعر :

حرز خود می بری و زحمت ما می

داری

والا ما زیر بار حرف شما نمی رویم

امروزه برخی افراد معتقدند که جوانان نسبت به دین و انقلاب بی اعتقاد شده اند ، در این شرایط و با توجه به شرایط حساس کشور ، فکر می کنید جوانان برای دفاع از کشور خود آمادگی